

بررسی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر در امید به آینده‌ی حاشیه‌نشینان تبریز

داوود فرخ‌نژادکشی^۱، اصغر محمدی^۲، منصور حقیقتیان^۳

چکیده:

هدف مقاله مذکور «بررسی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر در امید به آینده‌ی حاشیه‌نشینان تبریز بر اساس معادلات ساختاری» است. عوامل جامعه‌شناختی مانند دین‌داری، حمایت اجتماعی، سرمایه اجتماعی، سرمایه‌ی فرهنگی و محرومیت نسبی، از متغیرهای تأثیرگذار در امید به آینده است. امید و امیدواری به سلامت اجتماعی منجر می‌شود. روش مورد استفاده در این تحقیق، به لحاظ ماهیت علی معلولی و تحلیل مسیر بر اساس معادلات ساختاری و تحلیل رگرسیون چندمتغیره انجام گرفته است و جامعه آماری مورد مطالعه، حاشیه‌نشینان تبریز در سال ۱۳۹۶ بودند که ۶۲۲ نفر از بین حاشیه‌نشینان بر اساس فرمول کوکران با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفتند. آزمون امید به آینده اشنایدر و آزمونهای محقق ساخته دین‌داری بر اساس الگوی گلاک و استارک، سرمایه فرهنگی و اجتماعی بورديو، حمایت اجتماعی کوب و محرومیت نسبی تد رابرت گر به‌عنوان ابزار تحقیق مورد استفاده قرار گرفتند. تحلیل‌های آماری بر اساس معادله‌ی ساختاری و با استفاده از برنامه‌ی Amos و Spss انجام یافته است. نتایج نشان داد میانگین امید به آینده در بین حاشیه‌نشینان ۳۹/۷ و در سطح زیاد

farokh.davood@gmail.com

^۱- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان

asghar.mo.de@gmail.com

^۲- استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان

mansour_haghighatian@yahoo.com

^۳- دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان

تاریخ پذیرش: ۹۷/۶/۴

تاریخ وصول: ۹۷/۳/۲۴

ارزیابی شده است. همچنین میانگین میزان دین‌داری $43/8$ و در سطح متوسط، میانگین میزان محرومیت نسبی $25/7$ و در سطح زیاد، میانگین سرمایه اجتماعی $11/2$ و در سطح متوسط، میانگین سرمایه فرهنگی $10/8$ و در سطح متوسط و میانگین میزان حمایت اجتماعی $10/2$ و در سطح متوسط ارزیابی شده است؛ و مقادیر رگرسیونی مدل حاکی است که عوامل جامعه‌شناختی سرمایه‌ی اجتماعی به میزان $(0/38)$ ، سرمایه‌ی فرهنگی به میزان $(0/24)$ ، حمایت اجتماعی به میزان $(0/23)$ ، دین‌داری به میزان $(0/20)$ ، محرومیت نسبی به میزان $(-0/17)$ در امید به آینده‌ی حاشیه‌نشینان تأثیر دارد.

واژگان کلیدی: امید به آینده، حاشیه‌نشینان، دین‌داری، حمایت اجتماعی، سرمایه‌ی اجتماعی، سرمایه‌ی فرهنگی، محرومیت نسبی.

مقدمه و بیان مسأله

یکی از مسائل عمده کشورهای جهان سوم، رشد شتابان و ناهمگون شهری است و از اثرات نامطلوب رشد شتاب‌زده شهرنشینی، ظهور پدیده فقر شهری به‌طور عام و جزیره‌های فقر شهری به‌طور خاص است. پدیده‌ی حاشیه‌نشینی منشأ بروز بسیاری از آسیب‌های اجتماعی از قبیل فقر، بیکاری، جرم، اعتیاد و غیره است. فشار ناشی از این عوامل و احساس محرومیت نسبی، افراد حاشیه‌نشین را به سمت جرم و جنایت می‌کشاند.

امیدواری و خوش‌بینی نسبت به آینده، از جمله نشانه‌های پویایی و نشاط در جامعه و انگاره‌ای برای پیشرفت اجتماعی است. احساس امید نسبت به آینده به معنای داشتن دورنمایی روشن و شفاف از زندگی است. نقش امید به آینده در زندگی افراد به‌ویژه حاشیه‌نشینان که بیشتر در معرض آسیب‌های اجتماعی قرار می‌گیرند، اهمیت فراوانی دارد. آنچه امروز ساکنان حاشیه‌نشین به آن می‌اندیشند، می‌تواند جامعه‌ی فردای آن‌ها را شکل دهد بنابراین آگاهی از نگرش حاشیه‌نشینان نسبت به آینده و حوزه‌های مختلف جامعه، می‌تواند مسئولان، برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران در عرصه‌های مختلف را

هدایت‌گر باشد. بر همین اساس مقاله‌ی حاضر درصدد بررسی و ترسیم نگرش و احساس حاشیه‌نشینان نسبت به آینده و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن است. چارچوب نظری این مقاله تلفیقی از نظرهای امید به آینده‌ی اسنایدر، سرمایه‌ی اجتماعی و فرهنگی بوردیو، حمایت اجتماعی، تئوری محرومیت نسبی تدرابرت‌گر و نظریه‌ی دین‌داری گلاک و استارک است. مدل در نظر گرفته‌شده شامل متغیرهای حمایت اجتماعی، دین‌داری، محرومیت نسبی، سرمایه‌ی اجتماعی و فرهنگی است که به‌عنوان متغیرهای تأثیرگذار بر امید به آینده دخالت داده شده‌اند.

امیدواری و ناامیدی نسبت به آینده از موضوعات مهم و موردتوجه روانشناسی و دیگر علوم اجتماعی است. وضعیت امید به آینده، پیامدهای مختلفی برای افراد در پی دارد که در بالاترین سطح، آثار خود را در قالب پیشرفت یا رکود و توقف جامعه نشان می‌دهد (گیتی قریشی، ۱۳۸۸: ۴۷).

در جامعه‌شناسی به‌طور خاص گرایش با عنوان گرایش جامعه‌شناسی امید وجود نداشته همان‌طور که گرایش با عنوان جامعه‌شناسی ترس هم وجود نداشته است؛ اما جامعه‌شناسان از قدیم و به‌طور خاص در دوره‌ی جدید در مورد امید و ترس، امیدواری و ناامیدی و ترس و اضطراب اجتماعی بحث‌های متعدد بیشتری داشته‌اند زیرا فرض اصلی جامعه‌شناسان در جامعه‌ی جدید، به رسمیت شناختن رابطه بین امید و امیدواری با سلامت اجتماعی است. به عبارتی هر چه افراد جامعه نسبت به زندگی و جامعه‌ی خود امیدوارتر باشند، میزان مشارکت آن‌ها در ساختن جامعه بیشتر خواهد بود؛ در مقابل به میزانی که افراد نسبت به زندگی و نظام اجتماعی و سیاسی ناامید باشند، میزان مشارکت کمتری در ساختن جامعه خواهند داشت و همین افراد نیرویی در تخریب جامعه و زندگی خواهند بود. افراد در این فضای فکری و فرهنگی معترض و لجوج و خودبین و انزواطلب شکل‌گرفته و نظام اجتماعی در معرض فروپاشی قرار می‌گیرد (ارجمند نیا، ۴۸، ۱۳۹۱). به قول چامسکی اگر تصور کنیم که هیچ امیدی وجود ندارد، ضمانت کرده‌ایم که هیچ امیدی نخواهد بود اما اگر تصور کنیم که فرصت‌هایی برای تغییر هست،

این امکان وجود دارد که بتوانیم در ساختن دنیایی بهتر مشارکت کنیم. امروزه بررسی‌ها بر رویدادهای منفی مانند بیکاری، از دست دادن اعتقاد، بیماری، فقر و غیره که امکان دارد در پیشرفت ناامیدی نقش داشته باشند، متمرکز شده‌اند (ربانی، علیزاده، ۱۳۹۲: ۷۳). حاشیه‌نشینان برخلاف تصور، کالایی بادآورده و دورریختنی نیستند بلکه وجود آن‌ها نقش مهمی در اقتصاد شهری دارد؛ درواقع آنان با کمک ناچیز مسئولان قادرند مسکن، خوراک، پوشاک خود را فراهم کرده و درعین‌حال نوعی نیروی کار ذخیره، حاضر و بی‌درنگ برای فعالیت‌های در حال گسترش بخش رسمی درون شهرها را مهیا سازند. اطلاعات مرکز آمار ایران نشان می‌دهد که بیش از ۲۰ درصد افراد جامعه را حاشیه‌نشینان تشکیل می‌دهند که ۷۰ درصد حاشیه‌نشینان را نیز جوانان تشکیل می‌دهند (ربانی، علیزاده، ۱۳۹۲: ۸۷) اما باید اعتراف کرد این قشر نقش مهمی در نتایج انتخابات سیاسی دارد و اینان از وضعیت اسفبار روستاها از جمله بیکاری، عدم امکانات بهداشتی و تحصیلی و... به ستوه آمده و این مناطق حاشیه‌نشین را خانگی امید خود دانسته و تحقق خوشبختی فرزندان خود را بازندگی در این مناطق حاشیه‌نشین میسر می‌دانند و شاید امیدوارتر از افرادی هستند که در متن شهرها زندگی می‌کنند.

جامعه‌ای که اعضای آن دید روشنی به آینده و امیدی به موفقیت در آینده ندارد هیچ پویایی خاصی نداشته و رکود و سکون، تمام ارکان آن را در برمی‌گیرد. نتایج تحقیقات متعدد حاکی از آن است که امید به آینده باعث گسترش افق دید و روشنگری و بالطبع استفاده از فرصت‌ها می‌شود؛ درنتیجه در چنین جامعه‌ای می‌توان شاهد نوآوری و خلاقیت در زندگی روزانه بود.

در کل ضرورت این بررسی از آنجا ناشی می‌شود که اولاً وضعیت حاشیه‌نشینان موضوع مهمی به شمار می‌رود. مؤلفه‌ی امید به آینده نقش مهمی در سلامت اجتماعی داشته و مطالعات اندکی در این زمینه وجود دارد. تحقیقی یافت نشد که امید به آینده را در بین حاشیه‌نشینان بررسی کند، درحالی‌که نقش و اهمیت حاشیه‌نشینان در دوران اخیر در گردش و اداره‌ی امور جامعه و ایجاد تحولات اساسی در راستای رشد اقتصادی و فرهنگی

در کشور بر همگان روشن است. ثانیاً می‌توان از روی درصد آینده‌نگری اعضای جامعه، بقا و پیشرفت و انسجام و اقتدار جامعه را پیش‌بینی کرد. جامعه‌ای که فاقد این امید باشد تأثیرات ناخوشایندی بر روحیات، افکار و کلاً رفتارهای اجتماعی افراد می‌گذارد. نگرانی، اضطراب، تلاش نکردن برای زندگی و غرقه شدن در سرگرمی‌های غیرمفید و حتی مضر از پیامدهای چنین جامعه‌ای است؛ بنابراین شرایط سقوط آن جامعه فراهم می‌شود. ثالثاً در دنیای متمدن امروزی، آدمی به‌ظاهر مرفه به نظر می‌رسد اما بیش از گذشته، افسرده، ناامید و تنهاست. و در یکی دو دهه اخیر، نقش امید در درمان انواع بیماری‌ها مؤثر شناخته‌شده است بنابراین اگر بتوانیم از طریق پژوهش‌های مختلف به بررسی‌ها و راهکارها و نتایجی دست‌یابیم که بتوانند میزان امید به آینده را ارتقا بخشند، می‌توانیم در سلامتی جامعه قدم برداریم.

این پژوهش حاشیه‌نشینی را در برمی‌گیرد که بیشتر در مناطق حیدرآباد، آخر طالقانی، مارالان، آخر کوی ابوذر، خلیل‌آباد، تنکه درسی، لیلان درسی، عین آلی ساکن هستند و معمولاً این مناطق از مناطق جرم‌خیز و ساکنان آن بیشتر در معرض آسیب‌های اجتماعی (قتل، اعتیاد، فساد، دزدی و...) قرار دارند. مقاله‌ی حاضر درصدد بررسی تأثیر متغیرهای جامعه‌شناختی (دین‌داری، حمایت اجتماعی، محرومیت نسبی، سرمایه‌ی اجتماعی و سرمایه‌ی فرهنگی) در امید به آینده‌ی حاشیه‌نشینان و آزمون تأثیر هم‌زمان عوامل جامعه‌شناختی بر امید به آینده‌ی حاشیه‌نشینان شهر تبریز است؛ و پرسش اصلی پژوهش این است: عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر امید به آینده‌ی حاشیه‌نشینان چیست؟

مبانی نظری تحقیق

چارچوب نظری این مقاله، تلفیقی از نظریه‌های امید به آینده‌ی اسنایدر، حمایت اجتماعی کوب، سرمایه‌ی اجتماعی و فرهنگی بوردیو، تئوری محرومیت نسبی تدرابرت‌گر و نظریه‌ی دین‌داری گلاک و استارک است.

اسنایدر و همکارانش (۲۰۰۲) امید را برحسب دو عنصر تعریف کنند: اولاً آن‌ها می‌گویند امید با ادراک عامل مرتبط با اهداف نیرو می‌گیرد؛ یعنی مردم حس می‌کنند می‌توانند به اهداف آتی خود دست یابند زیرا آن‌ها در گذشته توانسته‌اند با استفاده از این ابزارها به اهداف آتی خود برسند. دوم آنکه آن‌ها معتقدند امید بر پایه‌ی این ادراک قرار دارد که راه‌های دستیابی به اهداف در دسترس است و افراد امیدوار می‌توانند این مسیرها را خلق کنند. ابعاد امید به آینده عبارت‌اند از: تفکر هدف که بر اساس آن افراد هدف‌هایشان را تعیین می‌کنند.

تفکر گذرگاه که بر اساس آن افراد راهبردهای خاصی را برای رسیدن به آن هدف‌ها توسعه می‌دهند.

تفکر عامل که بر اساس آن افراد انگیزه لازم را برای اجرای آن هدف‌ها به وجود آورده، در طول مسیر آن را حفظ می‌کند (عزمی، ۱۳۸۶). پژوهش اسنایدر و همکاران (۲۰۰۰) نشان می‌دهد رابطه مثبت و معناداری بین امیدواری و دین‌داری افراد وجود دارد.

نظریه‌ی دین‌داری گلاک و استارک (۱۹۶۸): چارلز گلاک طی دهه‌ی ۵۰-۶۰ میلادی در تلاش برای فهم و تبیین دین در آمریکا بود. وی بحث ابعاد التزام دینی را در این کشور زنده کرد و با همکاری رادنی استارک در سال ۱۹۵۶ به شرح و بسط الگوی جدیدی از دین‌داران پرداخت. هدف اصلی آن‌ها، عموماً درک شیوه‌های گوناگونی بود که مردم با توسل به آن، خود را مذهبی تلقی می‌کردند. گلاک و استارک بر این عقیده بودند که باوجود آنکه ادیان جهانی در جزئیات بسیار متفاوتند، اما دارای حوزه‌های کلی هستند که دین‌داری در آن حوزه‌ها و یا آن ابعاد جلوه‌گر می‌شود. آن‌ها برای دین‌داری چهار بعد اصلی اعتقادی، عاطفی، مناسکی، پیامدی مطرح کرده‌اند. (احمدی، ۲۷: ۱۳۸۸).

نظریه‌ی حمایت اجتماعی کوب: کوب (۱۹۷۶) حمایت اجتماعی را مجموعه اطلاعاتی تعریف می‌کند که شخص را به این اعتقاد می‌رساند که در یک شبکه‌ی ارتباطی مورد توجه و علاقه‌ی دیگران است و از سوی آن‌ها باارزش و محترم شمرده می‌شود؛ و در نتیجه چنین باوری این احساس به فرد دست می‌دهد که به آن شبکه‌ی ارتباطی متعلق

است (رستگار خالد، ۱۳۶: ۱۳۸۴). حمایت اجتماعی یکی از پیامدها و محصولات سرمایه‌ی اجتماعی است که شامل حمایت اقوام و خویشاوندان، دوستان و همسایگان است و سه بعد کمک عینی یا ابزاری، اطلاعاتی و عاطفی را در برمی‌گیرد. حمایت عینی یا ابزاری بر موجود بودن حمایت فیزیکی دلالت دارد؛ در این نوع حمایت، کمک از افرادی که نزدیک و صمیمی هستند کسب می‌شود (دلپسند و همکاران، ۱۳۹۱).

مفهوم سرمایه در نظر بوردیو از مفهوم پولی سرمایه در اقتصاد بسیار گسترده‌تر است؛ سرمایه «منابع» عمومیت‌یافته‌ای است که می‌تواند به شکل پولی یا غیر پولی و نیز ملموس یا غیرملموس وجود داشته باشد (آن‌هایر و دیگران، ۱۹۹۵).

بوردیو در مقاله‌ای با عنوان اشکال سرمایه (۱۹۸۱)، از سه نوع سرمایه‌ی اصلی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نام می‌برد و برای آن‌ها از سایر سرمایه‌ها ارزش بیشتری قائل می‌شود. الف) سرمایه‌ی اقتصادی: که قابل تبدیل شدن به پول است و می‌تواند به شکل حقوق مالکیت نهادینه شود. ب) سرمایه‌ی فرهنگی: که تحت تأثیر برخی شرایط به سرمایه‌ی اقتصادی بدل می‌شود و به شکل کیفیات آموزشی نهادینه می‌گردد. ج) سرمایه‌ی اجتماعی: که تحت برخی شرایط به سرمایه‌ی اقتصادی تبدیل می‌شود.

بوردیو برای تبدیل‌پذیری اشکال مختلف سرمایه و بر تقلیل نهایی همه‌ی اشکال سرمایه‌ی اقتصادی تأکید می‌کند. از نظر او سرمایه‌ی اقتصادی کار انسانی انباشته شده است. از دیدگاه بوردیو سرمایه اجتماعی دو شاخص اساسی دارد: ۱) اعتماد ۲) پیوند. از نظر بوردیو سرمایه اجتماعی در نهایت می‌تواند سرمایه اقتصادی را به همراه داشته باشد (چلبی، ۱۳۷۵).

تدرابرت‌گر، در نظریه محرومیت نسبی خود بر این باور است که چنانچه در راه دستیابی افراد به اهداف و خواسته‌هایشان مانعی ایجاد شود، آنان دچار محرومیت نسبی شده و نتیجه‌ی طبیعی و زیستی این وضع، آسیب رساندن به منبع محرومیت است. بدین ترتیب، محرومیت نسبی نتیجه‌ی تفاوت درک شده میان انتظارات ارزشی (خواسته‌ها) و توانایی‌های ارزشی (داشته‌های) افراد است. تدرابرت‌گر ضمن اشاره به ذهنی بودن این

متغیر در مثال‌هایی که برای آن ارائه می‌کند؛ به متغیرهای کلان و ساختاری اشاره دارد. برای بررسی محرومیت نسبی باید به ذهنیات افراد رجوع نمود؛ و تأکید می‌کند که برای بررسی محرومیت نسبی باید هم انتظارات ارزشی (خواسته‌ها و باید‌های) افراد و هم توانایی‌های ارزشی (داشته‌ها و هست‌های) آن‌ها را در ذهنیات آنان جستجو کرد. (مبارکی، ۱۳۸۳: ۷۴).

پیشینه تحقیق

چندین مطالعه در طول دهه گذشته اهمیت امید را در جمعیت بزرگسالان نشان داده است از جمله: یانگ^۱ (۲۰۰۷) و خدا پناهی و همکاران (۱۳۹۰) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که باورهای مذهبی و داشتن ایمان به خدا و اعتقاد به یک مبدأ حقیقت، قدرت تحمل ناکامی‌ها را بالا می‌برد و بدین ترتیب به حفظ سلامت جسم و روان کمک می‌نماید و از پیدایش بیماری‌های جسمی و روانی پیشگیری می‌کند و نهایتاً به امید انسان نسبت به آینده می‌افزاید (قهرمانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۰).

مطالعات چانگ ولی^۲ (۲۰۰۲) نشان داد کسانی که خود را مذهبی می‌دانند، در مقایسه با افرادی که خود را مذهبی نمی‌دانند، امتیازات امید بالاتری دارند. کونینگ^۳ (مناسکی جمعی) و مذهب درونی، بیشترین میزان تغییرات امید به آینده را می‌تواند تبیین نمایند. نتایج پژوهش عبداللهی (۱۳۸۹) نشان می‌دهد که میزان دین‌داری و پایگاه اقتصادی-اجتماعی خانواده، بیشترین سهم را از تبیین میزان امید به آینده دارند.

نتایج پژوهش پور غزنین و همکاران (۱۳۷۹) حاکی از این است که با تقویت باورهای دینی، حمایت اجتماعی، رفاه مالی و توضیح اهمیت امید برای بیماران و همچنین سخنان و رفتارهای مناسب، می‌توان باعث ارتقای سطح امید در بیماران مبتلابه سرطان شد. تحقیق فرهادی و همکاران (۱۳۸۹) بر روی سلامت روان سالمندان نشان می‌دهد که

1. Yang
2. Lee Chang
3. Kónig

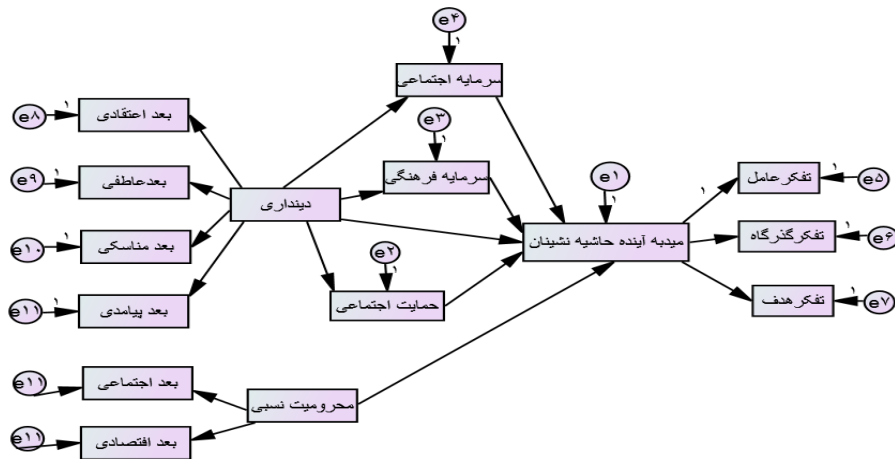
باورهای مذهبی و معنوی قوی همراه با امیدواری، با افزایش آرامش و احساسات مثبت، تجارب خوشایند را افزایش و علائم ناخوشایند را کاهش می‌دهند. نتایج تحقیق هزارجریبی و صفری شالی (۱۳۸۸) نشان داده است که متغیر امید به آینده اجتماعی به واسطه‌ی متغیر اعتماد اجتماعی، تأثیر فزاینده بر میزان رضایت افراد دارد. این نشان می‌دهد هرچه میزان امید به آینده اجتماعی بیشتر باشد، احساس اعتماد و درنهایت، رضایت از زندگی بیشتر شده، در مقابل افرادی که امید زیادی به آینده و جامعه ندارند، رضایت کمتری از زندگی دارند. درعین حال، امید به آینده فردی بر امید به آینده‌ی و جامعه تأثیرگذار بوده و از آن نیز تأثیر می‌پذیرد. محمدصادقی (۱۳۹۲) پژوهشی را با عنوان (سنجش دین‌داری جوانان و رابطه آن بر امیدواری) انجام داده که در این بررسی، به ترتیب بعد اعتقادی، پیامدی؛ تجربی و مناسکی در امیدواری مؤثر بوده است.

نتایج پژوهش شعبانی و همکاران (۱۳۹۱) نشان داد خود کارآمدی و خوشبینی و حمایت اجتماعی مطلوب بر امیدواری اثر معناداری دارند. حسن‌زاده و همکاران در تحقیق خود با عنوان «رابطه بین توکل به خدا، کیفیت زندگی و امید به زندگی در معلمان ناحیه‌ی یک ساری»، به این نتیجه رسید که بین توکل به خدا و کیفیت زندگی، توکل به خدا و امید به زندگی و همچنین کیفیت زندگی و امید به زندگی نزد معلمان ارتباط معناداری وجود دارد (حسن‌زاده و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۲).

ربانی و همکاران (۱۳۹۰) در تحقیق خود با عنوان «بررسی تجربی رابطه‌ی دین‌داری با احساس شادمانی و امید به زندگی» به این نتیجه رسیدند که اعتقاد به خدا و مشارکت در مناسک جمعی دینی امید به زندگی بالاتری را برای فرد به همراه دارد (ربانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵). عنبری و بقایی طی مطالعه‌ای در سال ۱۳۹۳ با عنوان «ارتباط فرهنگ فقر و آسیب‌گرایی زنان حاشیه‌نشین شهر» مشخص شد که فقر از طریق مؤلفه‌های فرهنگی شامل نابسامانی اقتصادی، بی‌تفاوتی اجتماعی، نابسامانی خانوادگی و ناامیدی، به ایجاد و افزایش آسیب در نمونه مورد مطالعه منجر شده است و همچنین در

این گروه امید به زندگانی نیز تا حد فراوانی کاهش یافته است. عنبری طی مطالعه‌ای در سال ۱۳۸۸ مشخص کرد که در برخی مناطق به‌ویژه حاشیه‌نشینان هنوز فقر مزمن وجود دارد و امید کاهش یافته است (عنبری و بقایی، ۱۳۹۳).

مدل نظری: بر اساس ادبیات و پیشینه‌های به‌دست آمده مدل طراحی شده در شکل ۱ آمده است:



روش پژوهش

پژوهش انجام‌یافته بر اساس هدف از نوع کاربردی و به لحاظ ماهیت علی معلولی است و تحلیل مسیر بر اساس معادلات ساختاری انجام گرفته است؛ و برای سنجش رابطه بین متغیرها و گردآوری اطلاعات و داده‌های موردنیاز و به‌منظور بررسی فرضیات تحقیق از پرسشنامه‌های امید به آینده‌ی اسنایدر و همکاران، پرسشنامه‌ی دین‌داری استارک، محرومیت نسبی تد رابرت گر، حمایت اجتماعی کوب، سرمایه‌ی اجتماعی و فرهنگی بوردیو، به‌عنوان ابزار گردآوری اطلاعات استفاده شده که هر یک از پرسشنامه‌ها از پایایی لازم برخوردار بوده است. جامعه‌ی آماری شامل حاشیه‌نشینان مناطق حیدرآباد، آخر طالقانی، مارالان، اخرکوی ابودر، خلیل‌آباد، تنکه درسی، لیلان درسی است که بر اساس آماري که از استانداری تبریز گرفته شده در حدود ۳۸۴۱۰۷ نفر هستند. که بر اساس فرمول کوکران و بر اساس روش نمونه‌گیری تصادفی سهمیه‌ای و خوشه‌ای ۶۲۲ نفر

انتخاب شده‌اند. لازم به توضیح است ۵۰ درصد نمونه مرد و ۵۰ درصد دیگر زن انتخاب هستند.

یافته‌های توصیفی:

از نظر وضعیت سنی. ۱۸/۳ درصد بین ۲۱ تا ۳۰ سال، ۲۹/۱ درصد بین ۳۱ تا ۴۰ سال، ۳۶/۹ درصد بین ۴۱ تا ۵۰ سال، ۱۰/۵ درصد بین ۵۱ تا ۶۰ سال و ۵/۲ درصد بالای ۶۰ سال سن دارند. همچنین از نظر مسکن ۴۸/۱ درصد حاشیه‌نشین‌ها دارای مسکن ملکی، ۲۲/۶ درصد اجاره و رهن، ۲۹/۳ درصد در خانه‌ی پدری ساکن هستند.

از نظر تحصیلات، ۴/۷ درصد بی‌سواد، ۱۵/۹ درصد مدرک نهضت و ابتدایی، ۱۶/۴ درصد راهنمایی و سیکل، ۲۹/۷ درصد متوسطه و دیپلم، ۲۶/۹ درصد فوق‌دیپلم و لیسانس و ۶/۴ درصد فوق‌لیسانس و بالاتر دارند. همچنین از نظر درآمد، ۲۲/۳ درصد حاشیه‌نشینان کمتر از یک میلیون، ۴۱/۹ درصد بین یکتا دو میلیون، ۲۸/۱ درصد بین دو تا سه میلیون و ۷/۷ درصد بین سه تا چهار میلیون درآمد دارند.

از نظر وضعیت اشتغال، ۶۶/۹ درصد مردان منطقه‌ی حاشیه‌نشین شاغل و ۲۹/۶ درصد مردان بیکار هستند درحالی‌که ۳۷/۶ درصد زنان منطقه‌ی حاشیه‌نشین شاغل هستند و ۶۰/۹ درصد زنان بیکار هستند.

توصیف متغیرهای تحقیق: در جدول شماره‌ی ۱ شاخص‌های آماری متغیرهای وابسته و مستقل آورده شده است. میانگین میزان تفکر عامل ۱۴/۸ و در سطح زیاد، میانگین تفکر گذرگاه ۱۳/۲ و در سطح زیاد، میانگین تفکر هدف ۱۱/۷ در سطح متوسط و میانگین امید به آینده در بین حاشیه‌نشینان ۳۹/۷ و در سطح زیاد ارزیابی شده است.

جدول شماره (۱): شاخص‌های آماری متغیر وابسته: میزان امید به آینده

امید به آینده و ابعاد آن	تعداد	میانگین	انحراف معیار	واریانس	چولگی	سطح
تفکر عامل (۴ گویه)	۶۲۲	۱۴/۸	۲/۸۳	۸/۰۴	-۰/۱۶	زیاد
تفکر گذرگاه (۴ گویه)	۶۲۲	۱۳/۲	۳/۰۵	۹/۳۵	۰/۰۲	زیاد

متوسط	۰/۲	۸/۵۳	۲/۹۲	۱۱/۷	۶۲۲	تفکر هدف (۴ گویه)
زیاد	-۰/۰۴	۲۴/۸۷	۴/۹۸	۳۹/۷	۶۲۲	امید به آینده (۱۲ گویه)
زیاد	-۰/۰۸	۴۴/۸۹	۶/۷	۴۳/۸	۶۲۲	دینداری (۱۶ گویه)
زیاد	-۰/۱۴	۴۵/۰۲	۶/۷۱	۲۵/۷	۶۲۲	محرومیت نسبی (۸ گویه)
متوسط	-۰/۰۴	۷/۱	۲/۶۶	۱۱/۲	۶۲۲	سرمایه‌ی اجتماعی (۵ گویه)
متوسط	-۰/۰۴	۹/۸	۳/۱۳	۱۰/۸	۶۲۲	سرمایه‌ی فرهنگی (۵ گویه)
متوسط	-۰/۲	۸/۵۳	۲/۹۲	۱۰/۲	۶۲۲	حمایت اجتماعی (۵ گویه)

میانگین میزان دین‌داری در بین حاشیه‌نشینان ۴۳/۸ و در سطح زیاد ارزیابی شده است؛ میانگین میزان محرومیت نسبی ۲۵/۷ و در سطح زیاد؛ میانگین سرمایه‌ی اجتماعی ۱۱/۲ و در سطح متوسط، میانگین سرمایه‌ی فرهنگی ۱۰/۸ و در سطح متوسط و میانگین میزان حمایت اجتماعی در بین حاشیه‌نشینان ۱۰/۲ و در سطح متوسط ارزیابی شده است.

یافته‌های تحلیلی

بر اساس مقادیر جدول (۲) امید به آینده بر اساس جنسیت حاشیه‌نشینان متفاوت است؛ زیرا سطح معناداری این آزمون کوچک‌تر از ۰/۰۵ است؛ و از آنجاکه میانگین زنان (۳۸/۹) نسبت به میانگین مردان (۳۶/۵) بیشتر است؛ بنابراین میزان امید به آینده در بین زنان بیشتر از مردان است.

جدول (۲): مربوط آزمون ضریب طی مستقل برای متغیر میزان امید به آینده برحسب جنسیت

میانگین زنان	میانگین مردان	تفاوت میانگین	درجه آزادی	مقدار T	سطح معنی داری
۳۸/۹	۳۶/۵	۲/۴	۶۲۰	۶/۲	۰۰۰

بر اساس مقادیر جدول (۳) امید به آینده براساس وضعیت تأهل حاشیه‌نشینان متفاوت نیست؛ زیرا سطح معناداری ($p=0.00$) این آزمون بزرگتر از 0.05 است.

جدول (۳): مربوط آزمون ضریب تی مستقل برای متغیر میزان امید به آینده برحسب وضعیت تأهل

میانگین زنان	میانگین مردان	تفاوت میانگین	درجه آزادی	مقدار تی	سطح معنی داری
۳۸/۵	۳۷/۸	۰/۷	۶۲۰	۰/۸۸	۰/۳۸

بر اساس مقادیر جدول ۴ امید به آینده بر اساس درآمد حاشیه‌نشینان متفاوت است چون سطح معناداری آزمون آن‌ها کوچک‌تر از 0.05 است.

جدول ۴ تحلیل واریانس یک‌طرفه: میزان امید به آینده برحسب درآمد حاشیه‌نشینان

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه‌ی آزادی	میانگین مربعات	مقدار F	سطح معنادار بودن
بین گروهی	۲۷۶/۹	۳	۹۲/۳	۳/۲	۰/۰۲۳
درون‌گروهی	۱۶۰۰۲/۲	۵۵۵	۲۸/۸		
جمع	۱۶۲۷۹/۱	۵۵۸	-		

بر اساس مقادیر جدول ۵ امید به آینده‌ی افراد با درآمد بین سه تا چهار میلیون تومان بیشتر از افرادی با درآمدی بین دو تا سه میلیون تومان است چون سطح معناداری آزمون Tukey کوچک‌تر از 0.05 است. همچنین امید به آینده‌ی افراد با درآمد بین یکتا دو میلیون و افراد با درآمدی بین دو الی سه میلیون تومان در یک سطح بوده چون سطح معناداری آزمون Tukey بزرگ‌تر از 0.05 است؛ بنابراین هرچه سطح درآمد بیشتر، امید به آینده نیز در بین حاشیه‌نشینان بیشتر می‌گردد.

جدول ۵ آزمون Tukey میزان امید به آینده به تفکیک درآمد حاشیه‌نشینان

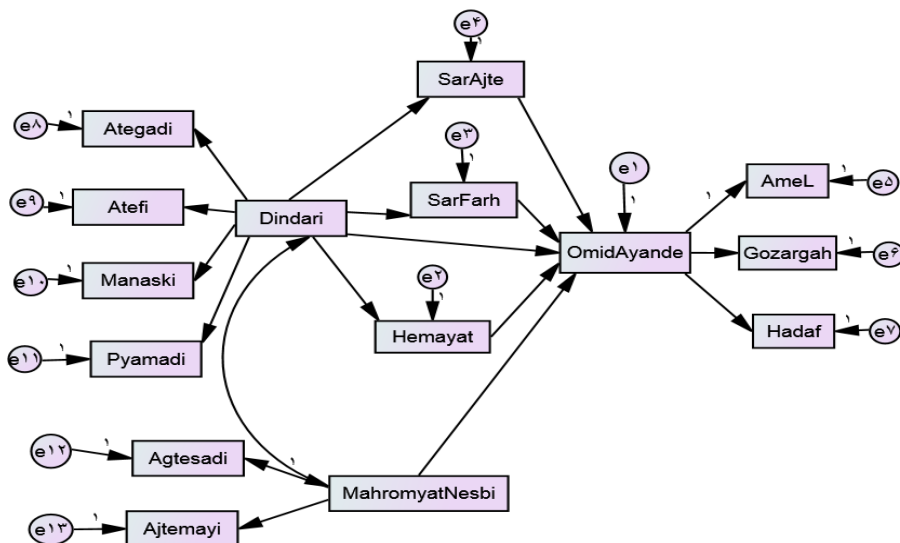
سطح معناداری	تفاوت میانگینها	مقایسه‌ی معلمان
۰۰۰	-۰/۲	کمتر از یک میلیون با بین یک تا دو میلیون تومان

۰۰۰	-۱	کمتر از یک میلیون با بین دو تا سه میلیون تومان
۰۰۰	-۲/۹	کمتر از یک میلیون با بین سه تا چهار میلیون تومان
۰/۱۲	-۰/۵	بین یک الی دو میلیون تومان با بین دو تا سه میلیون تومان
۰/۰۹	-۲/۲	بین یک الی دو میلیون تومان با بین سه تا چهار میلیون تومان
۰/۱۴	-۱/۹	بین دو الی سه میلیون تومان با بین سه تا چهار میلیون تومان

مدل تبیین ساختاری:

تأثیر متغیرهای میزان حمایت اجتماعی، محرومیت نسبی، دین‌داری، سرمایه‌ی اجتماعی، سرمایه‌ی فرهنگی بر امید به آینده‌ی حاشیه‌نشینان با استفاده از نرم‌افزار Amos از طریق آزمون مدل مسیر با مدل یابی معادلات ساختاری مورد بررسی قرار گرفته است. این مدل دارای سه مدل اندازه‌گیری و یک مدل ساختاری است. پارامترهای آزاد در مدل تدوین شده شامل واریانس‌ها و وزن‌های رگرسیونی در جدول شماره‌ی (۶، ۷، ۸) منعکس شده‌اند. در مجموع ۲۳ پارامتر برای برآورد آزاد تعریف شده‌اند.

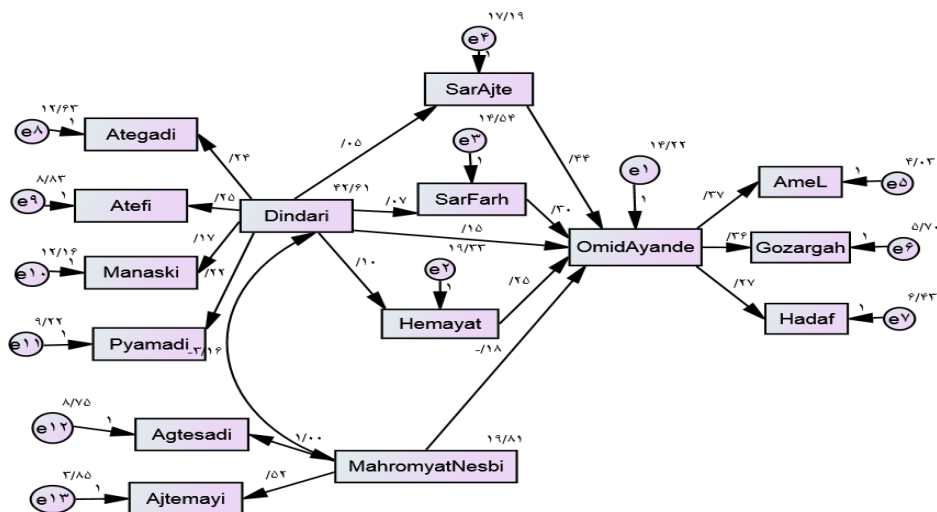
شکل (۲): مدل نظری: تأثیر حمایت اجتماعی، محرومیت نسبی، دین‌داری، سرمایه‌ی اجتماعی و فرهنگی و امید به آینده



جدول شماره ۶ مربوط به واریانس متغیرهای بررسی شده

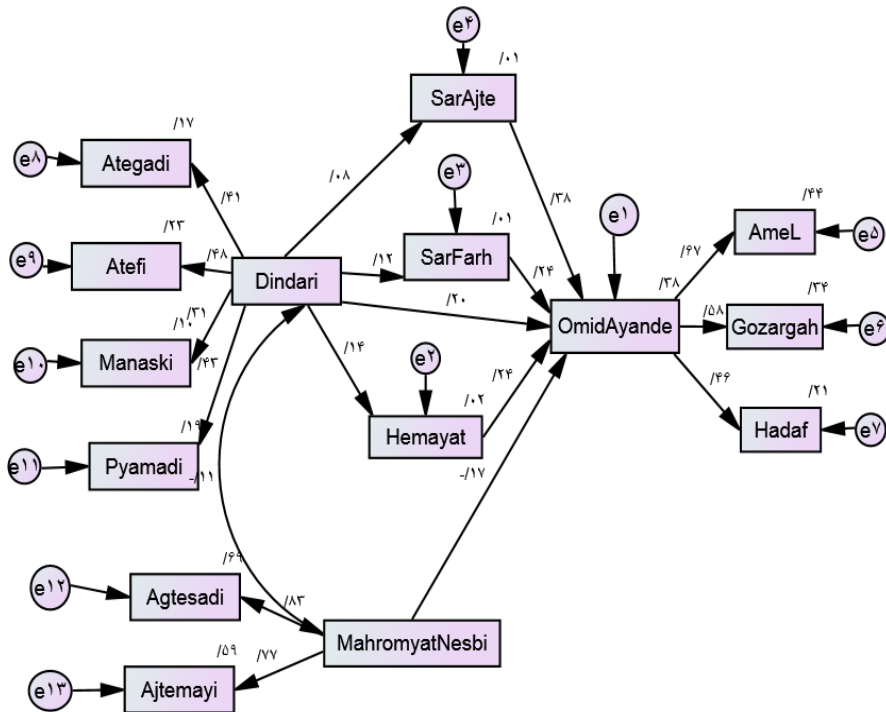
متغیر مستقل	واریانس	متغیر مستقل	واریانس
واریانس		واریانس	
واریانس دینداری	۴۲/۶	واریانس محرومیت نسبی	۱۹/۸
متغیر خطای ساختاری E1 (مربوط به امید به آینده)	۱۴/۲	متغیر خطای ساختاری E2 (مربوط به محرومیت نسبی)	۱۹/۳
متغیر خطای ساختاری E3 (مربوط به سرمایه‌ی اجتماعی)	۱۴/۵	متغیر خطای ساختاری E4 (مربوط به سرمایه‌ی فرهنگی)	۱۷/۲
متغیر خطای اندازه‌گیری E5 (مربوط به تفکرعامل)	۴/۰۳	متغیر خطای ساختاری E6 (مربوط به تفکر گذرگاه)	۵/۷
متغیر خطای ساختاری E7 (مربوط به تفکرهدف)	۶/۴	متغیر خطای ساختاری E8 (بعداعتقادی دینداری)	۱۲/۶
متغیر خطای ساختاری E9 (مربوط به بعدعاطفی دینداری)	۸/۸	متغیر خطای ساختاری E10 (بعد مناسکی دینداری)	۱۲/۱
متغیر خطای ساختاری E11 (مربوط به بعدپيامدی دینداری)	۹/۲	متغیر خطای ساختاری E12 (محرومیت اجتماعی)	۸/۷
متغیر خطای ساختاری E13 (مربوط به محرومیت اقتصادی)	۳/۸		

شکل شماره ۳: مدل تجربی با مقادیر وزن‌های رگرسیونی، مربوط به تأثیر میزان حمایت اجتماعی، محرومیت نسبی، دینداری، سرمایه‌ی اجتماعی، سرمایه‌ی فرهنگی بر امید به آینده‌ی حاشیه‌نشینان



شکل شماره (۴): مدل تجربی با مقادیر وزن‌های رگرسیونی استاندارد، مربوط به تأثیر میزان حمایت اجتماعی، محرومیت نسبی، دینداری، سرمایه‌ی اجتماعی، سرمایه‌ی فرهنگی بر امید به آینده‌ی

حاشیه‌نشینان



جدول شماره ۷: مربوط به وزن‌های رگرسیونی متغیرهای بررسی‌شده

مدل	پارامتر	شرح	رگرسیون	رگرسیون استاندارد شده	سطح معناداری
مدل مسیر	وزن رگرسیونی	اثر محرومیت نسبی بر امید به آینده‌ی حاشیه‌نشینان	-۰/۱۸	-۰/۱۷	***
		اثر سرمایه‌ی اجتماعی بر امید به آینده‌ی حاشیه‌نشینان	۰/۴۴	۰/۳۸	***
		اثر سرمایه‌ی فرهنگی بر امید به آینده‌ی حاشیه‌نشینان	۰/۳۰	۰/۲۴	***

			حاشیه نشینان		
***	۰/۲۳	۰/۲۵	اثر حمایت اجتماعی بر امید به آینده حاشیه نشینان		
***	۰/۲۰	۰/۱۵	اثر دینداری بر امید به آینده حاشیه نشینان		
۰/۰۰۳	۰/۱۲	۰/۰۷	اثر دینداری بر سرمایه‌ی فرهنگی حاشیه نشینان		
۰/۰۰۵	۰/۰۸	۰/۰۵	اثر دینداری بر سرمایه‌ی اجتماعی حاشیه نشینان		
***	۰/۱۴	۰/۱۰	اثر دینداری بر حمایت اجتماعی حاشیه نشینان		
۱۳۰	تعداد کل پارامترهای آزاد (FP)				
۱۵	تعداد متغیرهای مشاهده شده:				
۱۵	تعداد متغیرهای بیرونی				
۱۳	تعداد متغیرهای درونی				
۳۱	تعداد کل عناصر غیر زائد در ماتریس کواریانس مشاهده شده (NRE)				
۸۹	درجه‌ی آزادی (DF)				

مقادیر رگرسیونی مدل براساس جدول (۷) حاکی از آن است که عوامل جامعه‌شناختی از جمله حمایت اجتماعی به میزان (۰/۲۵)، سرمایه‌ی فرهنگی به میزان (۰/۳۰)، سرمایه‌ی اجتماعی به میزان (۰/۴۴)، دینداری به میزان (۰/۱۵)، محرومیت نسبی به میزان (۰/۱۸-) در امید به آینده‌ی حاشیه‌نشینان تأثیر دارد چون سطح معناداری (p) آن‌ها کوچک‌تر از ۰/۰۵ است.

در جدول ۷ عوامل جامعه‌شناختی مؤثر در امید به آینده‌ی حاشیه‌نشینان به ترتیب تأثیر (وزن‌های رگرسیونی استاندارد شده) نشان داده شده است. از بین عوامل جامعه‌شناختی بیشترین اثر را سرمایه‌ی اجتماعی (۰/۳۸) در امید به آینده دارد و بعداز آن به ترتیب

سرمایه‌ی فرهنگی (۰/۲۴)، حمایت اجتماعی (۰/۲۳)، دین‌داری (۰/۲۰) و محرومیت نسبی (۰/۱۷-) در امید به آینده مؤثرند.

جدول ۸ عوامل جامعه‌شناختی مؤثر در امید به آینده به ترتیب تأثیر (وزن‌های رگرسیونی استانداردشده)

متغیر مستقل	تأثیر (وزن های رگرسیونی استاندارد شده)
اثر سرمایه‌ی اجتماعی بر امید به آینده‌ی حاشیه‌نشینان	۰/۳۸
اثر سرمایه‌ی فرهنگی بر امید به آینده‌ی حاشیه‌نشینان	۰/۲۴
اثر حمایت اجتماعی بر امید به آینده‌ی حاشیه‌نشینان	۰/۲۳
اثر دینداری بر امید به آینده‌ی حاشیه‌نشینان	۰/۲۰
اثر محرومیت نسبی بر امید به آینده‌ی حاشیه‌نشینان	-۰/۱۷

برابر جدول ۸ بار عاملی تک‌تک ابعاد امید به آینده شامل تفکر عامل مساوی (۰/۳۷)، تفکر گذرگاه (۰/۳۶)، تفکر هدف (۰/۲۷) است یعنی اینکه ۳۷ درصد واریانس متغیر امید به آینده‌ی حاشیه‌نشینان توسط تفکر عامل و ۳۶ درصد توسط تفکر گذرگاه و ۲۷ درصد توسط بعد تفکر هدف تبیین می‌شود.

جدول ۹: مربوط به مدل اندازه‌گیری و بار عاملی ابعاد دین‌داری و محرومیت نسبی و امید به آینده‌ی

حاشیه‌نشینان

مدل	متغیر	ابعاد	بار عاملی	بار عاملی استانداردشده	سطح معناداری
مدل اندازه‌گیری	امید به آینده	تفکر عامل	۰/۳۷	۰/۶۶	***
		تفکر گذرگاه	۰/۳۶	۰/۵۸	***
		تفکر هدف	۰/۲۷	۰/۴۵	***
مدل اندازه‌گیری	دینداری	بعد اعتقادی	۰/۲۴	۰/۴۱	***
		بعد عاطفی	۰/۲۵	۰/۴۸	***
		بعد مناسکی	۰/۱۷	۰/۳۱	***
		بعد پیامدی	۰/۲۲	۰/۴۳	***
مدل اندازه‌گیری	محرومیت نسبی	اجتماعی	۰/۵۲	۰/۷۶	***
		اقتصادی	۱	۰/۸۳	***

همچنین ۲۴ درصد از واریانس دینداری توسط بعد اعتقادی و ۲۵ درصد توسط بعد عاطفی، ۱۷ درصد توسط بعد مناسکی و ۲۲ درصد توسط بعد پیامدی تبیین می‌شود و ۵۲ درصد از واریانس محرومیت نسبی توسط بعد محرومیت اقتصادی و ۲۲ درصد توسط بعد محرومیت اجتماعی تبیین می‌شود.

برازش و نیکویی مدل:

همان‌طور که در جدول شماره ۱۰ مشاهده می‌شود مقادیر شاخص‌های برازش مدل، کای اسکوئر برابر با ۳۷۳/۸، درجه‌ی آزادی برابر با ۸۹، شاخص‌های برازش هنجار شده ۰/۹۱، برازش افزایشی ۰/۹۲ و نیکویی برازش به ترتیب ۰/۹۲، ریشه‌ی میانگین مربعات باقی‌مانده ۰/۲۵ و ریشه میانگین مربعات خطای برآورد ۰/۲۶ به‌دست آمده است. کلیه‌ی شاخص‌ها از برازش کاملاً رضایت‌بخش مدل حکایت دارد.

جدول شماره ۱۰ مربوط به شاخص‌های نیکویی برازش مدل ساختاری

مقادیر لازم برای برازش و نیکویی مدل			مقادیر مدل	شاخص		
۰۰۰	سطح معناداری	۸۹	درجه آزادی	۳۷۳/۸	کای اسکوئر	مطلق
		بزرگتر از ۰/۹	نزدیک به یک باشد	۰/۹۱	GFI	
		بزرگتر از ۰/۹	نزدیک به یک باشد	۰/۹۲	AGFI	
		کوچکتر از ۰/۹	نزدیک به صفر باشد	۰/۲۵	RMR	
		بزرگتر از ۰/۹	نزدیک به یک باشد	۰/۸۶	TLI	تطبیقی
		بزرگتر از ۰/۹	نزدیک به یک باشد	۰/۸۷	CFI	
		بزرگتر از ۰/۹	نزدیک به یک باشد	۰/۸۸	IFI	
		کوچکتر از ۰/۰۸	نزدیک به یک باشد	۰/۰۶	RMSEA	اقتصادی
		بین ۳-۵ باشد		۴/۸	Cmin/DF	
		۰/۶ - ۰/۵		۰/۵۸	PNFI	

تفسیر یافته‌های تحقیق

۱- مقادیر رگرسیونی مدل حاکی از آن است که دین‌داری به میزان (۰/۲۰)، در امید به آینده‌ی حاشیه‌نشینان تأثیر دارد و بنا به مثبت بودن مقدار ضریب، هرچه میزان دین‌داری بیشتر، میزان امید به آینده‌ی حاشیه‌نشینان نیز بیشتر می‌شود. این یافته از پژوهش با یافته‌های گومز و فیشر (۲۰۰۳)، علیزاده اقدم (۱۳۹۱)، چانگ لی (۲۰۰۲)، کونیک (۲۰۰۴)، کرمی (۱۳۹۱)، عبدالهی (۱۳۸۹)، سلطانی زرنندی (۱۳۸۶)، بالجانی و همکاران (۱۳۹۰)، فرهادی و همکاران (۱۳۸۹)، گیتی قریشی (۱۳۸۸) همسوست.

۲- مقادیر رگرسیونی مدل حاکی از آن است که حمایت اجتماعی به میزان (۰/۲۳) در امید به آینده‌ی حاشیه‌نشینان تأثیر دارد و بنا به مثبت بودن مقدار ضریب، هرچه میزان حمایت اجتماعی بیشتر، میزان امید به آینده‌ی حاشیه‌نشینان نیز بیشتر می‌شود. این یافته از تحقیق با نظریه‌ی اسنایدر (۲۰۰۲) و یافته‌های وان لیو و همکاران (۲۰۱۰) شیر، وینتروب (۱۹۸۶) و کاور (۱۹۸۶)، علیزاده اقدم (۱۳۹۱) همخوانی دارد.

۳- مقادیر رگرسیونی مدل حاکی از آن است که محرومیت نسبی به میزان (۰/۱۷-) در امید به آینده‌ی حاشیه‌نشینان تأثیر دارد و بنا به منفی (معکوس) بودن مقدار ضریب هرچه محرومیت نسبی کمتر، امید به آینده‌ی حاشیه‌نشینان بیشتر می‌شود. این یافته از تحقیق با ربانی و علیزاده اقدم (۱۳۹۱) همخوانی دارد.

۴- همچنین سرمایه‌ی فرهنگی به میزان (۰/۲۴) در امید به آینده‌ی حاشیه‌نشینان تأثیر دارد و بنا به مثبت بودن مقدار ضریب، هرچه سرمایه‌ی فرهنگی بیشتر، میزان امید به آینده‌ی حاشیه‌نشینان نیز بیشتر می‌شود. این یافته از تحقیق با یافته‌های علیزاده (۱۳۹۱)، فولادیان (۱۳۹۲) و امجدیان (۱۳۸۴)، نیوتن (۲۰۰۲)، صفری شمالی (۱۳۸۸) همسوست.

۵- مقادیر رگرسیونی مدل حاکی از آن است که سرمایه‌ی اجتماعی به میزان (۰/۳۸) در امید به آینده‌ی حاشیه‌نشینان تأثیر دارد و بنا به مثبت بودن مقدار ضریب، هرچه میزان

سرمایه‌ی اجتماعی بیشتر، میزان امید به آینده‌ی حاشیه‌نشینان نیز بیشتر می‌شود. این یافته از تحقیق با یافته‌های علیزاده (۱۳۹۱)، فولادیان (۱۳۹۲) و امجدیان (۱۳۸۴)، نیوتن (۲۰۰۲)، صفری شمالی (۱۳۸۸) همسوست.

پیشنهادهای کاربردی:

با توجه به یافته‌های تحقیق و وجود رابطه‌ی معنادار بین متغیرهای مستقل و وابسته برای افزایش امید به زندگی و بهبود وضعیت اجتماعی موارد زیر پیشنهاد می‌گردد:

۱- با توجه به اینکه دین‌داری در افزایش امید به آینده‌ی حاشیه‌نشینان مؤثر است اقدامات انجام‌یافته برای افزایش دین‌داری در بین حاشیه‌نشینان موردتوجه مسئولان قرار گیرد.

۲- با توجه به اینکه افزایش محرومیت نسبی در کاهش امید به آینده‌ی حاشیه‌نشینان مؤثر است، اقدامات انجام‌یافته برای کاهش محرومیت نسبی از جمله ایجاد اشتغال، افزایش رضایت شغلی، رفاه اقتصادی، امنیت اقتصادی، برابری در مقابل قانون و افزایش دسترسی به مناصب سیاسی و برابری سیاسی و ارائه‌ی وام خرید مسکن و ماشین در بین حاشیه‌نشینان موردتوجه مسئولان قرار گیرد.

۳- با توجه به اینکه سرمایه‌ی اجتماعی در افزایش امید به آینده‌ی حاشیه‌نشینان مؤثر است، اقدامات انجام‌یافته برای افزایش سرمایه‌ی اجتماعی در بین حاشیه‌نشینان از جمله، کمک افراد به همدیگر و افزایش شور و مشورت در خانواده‌ها به‌ویژه در مناطق حاشیه‌نشین موردتوجه مسئولان قرار گیرد.

۴- با توجه به اینکه سرمایه‌ی فرهنگی در افزایش امید به آینده‌ی حاشیه‌نشینان مؤثر است، اقدامات انجام‌یافته برای افزایش سرمایه‌ی فرهنگی در بین حاشیه‌نشینان از جمله، افزایش کتابخانه‌های منطقه‌ی حاشیه‌نشین و ترغیب به مطالعه‌ی مجلات و روزنامه‌ها از طریق ارزان کردن قیمت آن‌ها و در دسترس قرار دادن آن‌ها و وام برای خرید کامپیوتر و دسترسی به اینترنت و آثار هنری از قبیل نقاشی و مجسمه و بالا بردن مدرک تحصیلی به‌ویژه در مناطق حاشیه‌نشین موردتوجه مسئولان قرار گیرد.

منابع فارسی:

۱. ارجمند نیا، علی‌اکبر؛ مهدی خان جانی و مریم محمودی. (۱۳۹۱). امید و امیدواری: نظریه‌ها، مفاهیم و روش‌های ارتقا در جوانان و دانشجویان. تهران: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، معاونت فرهنگی و اجتماعی، ص ۴۸.
۲. افشانی، سید علیرضا؛ عباس عسکری ندوشن، محمد حیدری و محمد نوریان. (۱۳۹۱). «رابطه‌ی دین‌داری با سرمایه‌ی اجتماعی در شهر نجف‌آباد». رفاه اجتماعی، ش ۴۴ (بهار) صص ۲۸-۲۵۹.
۳. امجدیان، فیروز. (۱۳۸۴). «بررسی پتانسیل آنومی و زمینه‌های بروز آن در شهر کرمانشاه» فصلنامه مطالعات ملی، سال ششم، ش ۴ (۲۴)، صص ۱۰۷-۸۵.
۴. بالجانی، اسفندیار؛ جواد خشاب، الهام امانپور و ندا عظیمی. (۱۳۹۱). «بررسی ارتباط بین سلامت معنوی، مذهب و امید در بیماران مبتلا به سرطان». مجله‌ی دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی تهران، ش ۳ (اسفند) صص ۳۷-۲۷.
۵. پورغزنین، طیبیه؛ پوری هوشمند، الهه طلاساز فیروزی و حبیب‌الله اسماعیلی. (۱۳۷۹). «منابع امیدبخش و سطح امید در مبتلایان به سرطان». روان پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران، ش ۴ (۳۲) صص ۸۷-۸۲.
۶. حسن زاده، رمضان؛ و همکاران. (۱۳۹۳). «رابطه‌ی بین توکل به خدا، کیفیت زندگی و امید به زندگی در معلمان ناحیه‌ی یک ساری» مجله‌ی تخصص نور. سال اول - شماره‌ی ۲؛ صص ۲۱ تا ۱۵.
۷. ربانی، رسول و همکاران. (۱۳۹۰). «بررسی تجربی رابطه‌ی دینداری با احساس شادمانی و امید به زندگی». دو فصلنامه‌ی علوم اجتماعی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی (سال هشتم، شماره‌ی ۱ بهار و تابستان سال ۱۳۹۰)، صص ۱۰۹-۷۹.
۸. عبداللهی، مهرناز. (۱۳۸۹). «تبیین جامعه‌شناختی امید به آینده». رشد آموزش علوم اجتماعی، ش ۴۹ صص ۴۱-۳۴.

۹. علیزاده اقدم، محمد باقر. (۱۳۹۱). «بررسی میزان امید به آینده در بین دانشجویان و عوامل مؤثر بر آن، جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و سوم، شماره ۴ (۴۸)؛ صص ۲۰۶-۱۸۹.
۱۰. عنبری موسی، بقایی، سارا. (۱۳۹۳). «ارتباط فرهنگ فقر و آسیب‌گرایی زنان حاشیه نشین- شهری» توسعه روستایی، دوره ششم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۳، صص ۲۳۳-۲۰۹.
۱۱. فاضلزاده، پ. (۱۳۹۳). عوامل مؤثر بر امید به آینده‌ی جوانان، پایان‌نامه‌ی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی صص ۸۷-۸۰.
۱۲. فولادیان، احمد. (۱۳۹۲). «بررسی میزان امید به آینده و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد». فقه و تاریخ تمدن، ش ۳۹ صص ۲۲-۲۷.
۱۳. قاری قرآنی، سیما. (۱۳۹۳). «عوامل اجتماعی مؤثر بر امید به آینده دانشجویان دانشگاه تهران»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه الزهرا صص ۸۷-۷۵.
۱۴. قریشی، گیتی؛ و دیگری. (۱۳۸۳). سطح امیدواری در دانشجویان سال اول و سال آخر رشته‌ی روانشناسی. مجله‌ی اندیشه و رفتار. دوره‌ی ۳، شماره‌ی ۱۲ صص ۷۶-۴۵.
۱۵. قهرمانی، نسرین و محمدعلی نادری. (۱۳۹۱). «رابطه‌ی بین مؤلفه‌های مذهبی-معنوی با سلامت روان و امید به آینده در کارکنان بیمارستان‌های دولتی شیراز». نشریه‌ی مراقبتهای پرستاری دانشگاه علوم پزشکی تهران (نشریه‌ی پرستاری ایران)، ش ۷۹ (دی) صص ۱-۱۱.
۱۶. کرمانی، زهرا، محمدکریم خدایپناهی و محمود حیدری. (۱۳۹۰). «ویژگی روانسنجی مقیاس امید اسنایدر». روان‌شناسی کاربردی، سال پنجم، ش ۳ صص ۷-۲۳.
۱۷. کریمی، جهانگیر؛ علی زکی بی و مصطفی علیخانی. (۱۳۹۱). «رابطه‌ی جهت‌گیری مذهبی با میزان تاب‌آوری و امیدواری در دانشجویان دانشگاه رازی». فرهنگ در دانشگاه اسلامی، ش ۳ (تابستان) صص ۲۵۶-۲۴۳.

1. Anheier.H & Gerhards. J & Romo. F (1995), Forms of capital and Social Structure in Cultural Fields, *American Journal of Sociology*, pp:1-13.
2. Baily, T.C. and Snyder, C.R. (2007). Satisfaction with life and hope: a look at age and marital status. *Psychological Record*, pp: 233-240.
3. Chang, E.C. and Disimone, S.L. (2001). The influence of hope on appraisals, coping and dysphoria: a test of hope thory. *Journal of social and clinical psychology*, No2, pp:117-129.
4. Chimick, W. T. & Nikolaichak, CH. L. (2004). Exploring the links between depression integrity, and hope in the elderly, p:54-65.
5. Hankins, S.J. (2004). Measuring the efficacy of the Snyder hope theory as an intervention with an inpatient population. A dissertation presented for the doctorate of philosophy, the university of Mississippi, N6, pp:192-200.
6. Irving, M.L. Snyder, C.R. and Crowson, J.J. (1998). Hope and coping with cancer by college females. *Journal of personality*, 66, pp:195-214.
7. Klausner, E. Snyder, C.R. and cheavens, J. (2000). "A hope-based group treatment for depressed older adult outpatient's, in G.M. Williamson, 4(11), pp:88-94
8. Snyder C.R. (2002). Hope Theory: Rainbows in the Mind. *Psychological Inquiry*, 2002. 13(4), pp:257-275.
9. Snyder, C. R. (2000). *Handbook of Hope: Theory, Measure & Applications*. Academic Press, USA.
10. Snyder, C.R. Harris, C. Irving, L.M. (1991). The will and the ways: development and ualidation of an individual differences measure of hope pp:570-585.
11. Snyder, C.R. McCullough, M.E. (2000). A positive psychology field of dreams. *Journal of social and clinical psychology*, pp:19-24.
12. Snyder, C.R. L.A. Ritschel, L.K. Ravid & C.J Berg (2006). "Balancing Psychological Assessments: Including Strength and Hope in Client Reports". *Journal of Clinical Psychology*, 36(1) pp:31-44.